



مهسا فارسی | روزنامه نگار

پرونده

چطور ممکن است برای کسی پیش بیاید که یک روز وقتی در حال رانندگی به طرف محل کارش است، در یک آن حس کند دنیا در نظرش سفید شده و هیچ چیزی جز سفیدی نمی تواند ببیند؟ از هراس این اتفاق تصادف کند و سرگردان ببرد وسط خیابان و همه فکر کنند دیوانه شده. این پردهای از فیلم «کوری» ساخته کارگردان برزیلی، «فرناندو مریلس» بود که بر اساس رمان مشهوری به همین نام از «ژوزه ساراماگو»، نویسنده پرتغالی ساخته شده است. داستان از این قرار است که در شهری، آدم‌های یکی پس از دیگری به بیماری «کوری سفید» دچار می‌شوند. اما آیا می‌توان تصور کرد کور شدن به شکلی که همه جهان را سفید ببینید، چه حسی دارد؟ بقا و زندگی با یگرانی که همه کور هستند به چه صورت ادامه پیدا خواهد کرد؟ در واقع نویسنده یا کارگردان با طرح این قصه، چه سبکی از زندگی را به تصویر کشیده است؟ با موضوعی ترسناک طرف هستیم یا دراماتیک و امیدوارکننده؟ با طرح این مقدمه کوتاه، خواستیم موضوع پرونده را روشن کنیم؛ پرداختن به فیلم و سریال‌هایی که دنیا‌های عجیب و غریب با منطقی خاص و قوانین تخیلی را به تصویر کشیده‌اند در نتیجه زندگی آدم‌های قصه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. البته چنین فیلم‌هایی با چنین مضامینی کم نیستند. به عنوان مثال فیلم‌هایی در گونه علمی تخیلی که بیشتر آن‌ها را با موضوعات سفر در زمان، پیشرفت‌های پزشکی و فناوری، سفرهای فضایی یا هوش مصنوعی، زیر مجموعه ژانر آخرالزمانی و آینده‌زندی بشر می‌شناسیم. همچنین فیلم‌های فانتزی یا ترسناک زیادی هستند که دنیا‌های بسیار عجیب و خلاقانه‌ای را معرفی کرده‌اند قابل بررسی‌اند. اما امروز در این پرونده قرار است چند تایی را که از نظر پرداختن به سبک زندگی نکات قابل توجه‌تری را در خود گنجانده‌اند، مرور و معرفی کنیم. پس برای خواندن این پرونده، ماشین تخیل‌تان را راه‌بندازید. هشداری که این پرونده ممکن است قسمت‌هایی از قصه‌ها را الودهد.

سبک زندگی‌های عجیب و غریب در

دنیا‌های بیگانه

دنیایی که واحد پولش «زمان» است، نگاه کردن در آن ممنوع است و... نمونه‌هایی از موضوعات فیلم‌هایی هستند که سبک زندگی خاصی را به تصویر کشیدند

زندگی بدون قدرت بینایی

چه سریالی؟ دیدن

چه سالی ساخته شد؟ ۲۰۱۹

سریالی که سر و صدای زیادی به پا کرد، بیشتر سر و شکلی حماسی دارد و موضوع قابل توجهی را به نمایش گذاشته که در یکی دوسال اخیر، خیلی از سینماگران دست‌روی آن گذاشته‌اند؛ فقدان حسی از حس‌های اصلی انسان مثل بینایی. قصه سریال در آینده روایت می‌شود. آینده‌ای در حدود ۶۰۰ سال بعد که یک ویروس باعث نابودی تمام انسان‌ها شده و آن‌هایی هم که باقی مانده‌اند، نابینا شده‌اند. پس انسان‌ها سبک زندگی خود را تغییر داده و به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند تا بتوانند در مواجهه با طبیعت، زنده باقی بمانند. با نابینا شدن انسان‌ها، قدرت بینایی قدرتی خارق‌العاده محسوب می‌شود که از نظر مردم جادوگری است. اما قصه از جایی‌جان می‌گیرد که همسر جنگجوی به نام باباواس، دو قلو‌هایی را به دنیا می‌آورد که بینایی دارند. این سریال پر هزینه (حدود ۱۵ میلیون دلار برای هر قسمت) بابت طراحی صحنه و لباس و فیلم برداری زیبا، تحسین برانگیز است و گاهی با سریال «بازی تاج و تخت» مقایسه می‌شود. تماشای جزئیاتی که برای جامعه نابینا را عایت شده مثل خانه‌های بدون پنجره، نمادهای برجسته هر قبیله روی بدن افراد و همچنین صحنه‌های اکشن در دل طبیعت، جذاب و چشم‌نواز است. آیا «دیدن» پاسخ این همه سوالاتی را که پیشاپیش برای مخاطب به وجود می‌آورد، می‌دهد؟ دنیایی که در آن همه نابینا هستند، چه شکلی است؟ سر و صورت آدم‌ها، لباس‌هایشان، زبان بدن و در یک کلام چطور سبکی از زندگی به نمایش گذاشته شده است؟

جذابیت‌های سفر در زمان

چه فیلمی؟ لوپر

چه سالی ساخته شد؟ ۲۰۱۲

دنیا حتما جای جالب‌تری بود اگر واقعا امکان سفر در زمان وجود داشت. دنیا حتما جای جالب‌تری بود اگر این امکان، به واسطه تخیل نویسندگان و کارگردانان خلاق، به شکلی غیر کلیشه‌ای و باورپذیر نمایش داده می‌شد؛ کاری که «رایان جانشون» با ساخت «لوپر» انجام داد. «لوپر»، صرافیک تخیلی عامه‌پسند نیست؛ دنیای لوپر جایی است که در آن خلافاکارها برای این که از شر جنازه‌هایشان خلاص شوند، به جای چال کردن‌شان آن‌ها را به ۳۰ سال گذشته می‌فرستند. اما «لوپر» به کارگردانی «رایان جانشون» یکی از برترین آثار علمی تخیلی، سرو شکلی اکشن و ماجراجویی نفس‌گیر دارد. در این فیلم، قاتلانی که نام خود را «لوپر» می‌گذارند، با سفر در زمان به کشتن آدم‌های هدف می‌پردازند. جنایتکاران در سال ۲۰۷۰، آدم‌هایی را که باید کشته شوند، به گذشته می‌فرستند. جایی که یک لوپر همراه با اسلحه‌اش منتظر کشتن محموله و نابودی جنازه است. لوپر پول خوبی می‌گیرد اما زندگی تکراری و مکانیکی دارند که فقط به کشتن و نابودی جنازه محدود شده است. با وجود صحنه‌های تیراندازی فراوان، لوپر خیلی بیشتر از یک فیلم اکشن و تخیلی است. لوپر مطالعه‌ای درباره مسائل همچون سرنوشت، طمع، تقدیر و فداکاری است.

وقتی همه دنیا

زیر برف و یخ فرورفت

چه فیلمی؟ قطار یخ‌شکن

چه سالی ساخته شد؟ ۲۰۱۳

قطار یخ‌شکن، آخرالزمانی را توصیف می‌کند که در آن همه دنیا زیر برف و یخ فرورفته و تنها قطاری بلند بالا، سریع‌السير و بدون توقف روی ریلی دور تا دور جهان را طی می‌کند. در دنیایی که تمام حیات زیر برف و یخ دفن شده، تنها آن‌هایی که سوار قطار هستند نفس می‌کشند و باید تابع قوانینی باشند که از سوی مدیر قطار تعیین شده است. این فیلم درون‌مایه‌های نمادین دارد و مفاهیم استعاری زیادی را بازگویی می‌کند. قطار، سمبلی از کرزمین است که در آن فقیر و غنی در کنار هم برای اهداف‌شان می‌جنگند. واگن‌های انتهایی یا دم‌قطار سکونتگاه مردم‌عادی و واگن‌های جلویی یا رأس قطار محل استقرار قشر مرفه با هزار جور امکانات است. «یونگ جون هو» کارگردان مطرح کره‌ای، علاوه بر ساخت اثری علمی تخیلی، یکی از برترین آثار اکشن چند سال اخیر سینمای جهان را نیز ساخته است که ارزش تماشا دارد. قطار یخ‌شکن مانند خیلی از آثار هم‌دهاش از فرمول‌آشنای «مردی در مقابل سیستم» استفاده کرده و ماتی فیلم شاهد حرکت فقیرترین گروه در این قطار به رهبری «گریس ایوانز» قهرمان هستیم که به دنبال گرفتن کنترل این قطار هستند.

دنیایی که در آن

«زمان» واحد پول است

چه فیلمی؟ به موقع یا این‌تایم

چه سالی ساخته شد؟ ۲۰۱۱

وقتی بر ایم نمانده، وقتی بر ایم نمانده. در دنیای ما این جمله احتمالا در ذهن کسی که سال‌ها زندگی کرده و حالا هراس مرگ دارد مدام تکرار می‌شود. اما در دنیای «این‌تایم» یک تکرار روزمره است. فیلم «این‌تایم» یا به موقع، به نویسنده‌گی و کارگردانی «اندرنیک کول»، روایتگر آینده‌ای نزدیک است که در آن انسان‌ها ۲۵ سال زنده‌اند و پس از آن می‌توانند عمر بخرند و بیشتر زنده بمانند. دیدن فیلم «به موقع» تجربه عجیب قرار گرفتن در دنیایی است که در آن، «زمان» واحد پول است. زمان، طول عمر و کیفیت زندگی را تعیین می‌کند. در این فیلم همه انسان‌ها یک ساعت دارند و به جای چرخش پول در دست مردم هنگام خرید یا فروش، فقط به ساعت خود نگاه می‌کنند و بایک دستگاه زمان‌سنج آن را کم یا زیاد می‌کنند. سرمایه‌داران در این فیلم، کسانی معرفی می‌شوند که زمان بیشتری دارند و در مقابل کارگران کسانی هستند که زمان ندارند. با توجه به رویکردی که کسی در فیلم، زمان واحد ارزش پول و همه زندگی و روابط انسانی می‌شود، به گونه‌ای که روابط انسانی بر پایه زمان تعریف می‌شود. هر انسانی، انسان دیگری است که شد تا زمان او را تصاحب کند و خود زمان بیشتری داشته باشد.



نگاه کردن ممنوع شد

چه فیلمی؟ جعبه پرنده

چه سالی ساخته شد؟ ۲۰۱۸

جهان از رد پای هیولایی نامرئی و مرموز پر شده، هیولایی که آن قدر بزرگ و پراکنده است که بر همه کوه‌ها و خیابان‌ها و جنگل‌ها سایه انداخته است. تنها مکان‌های امن، خانه‌هایی هستند که هیچ روزنه‌ای به بیرون نداشته باشند. هر کس به بیرون نگاه می‌کند هیولا به چشم‌های او نفوذ می‌کند تا به خودش کشی وادارش کند. «جعبه پرنده» به کارگردانی

«سوزان بیر» دنیایی را نشان می‌دهد که در آن دیدن آسمان و درختان و حتی لانه پرندگان، آرزویی غیر ممکن است. در این دنیا آدم‌ها باید سبک زندگی عجیب و غریبی را تجربه کنند. بازمانده‌ها برای رفع گرسنگی و بیرون زدن باید تمام درزهای ماشین را ببندند و فقط از روی جی‌پی‌اس مسیر سوپرمارکت شهر را دنبال کنند. آیا می‌شود با وجود چنین پدیده‌ای، از شهری آرمانی در دل این پاداران شهر ترسناک و مهیب حرفی به میان آورد؟ جالب است که در فیلم The Birds از آلفرد هیچکاک، پرنده‌ها بر ایمان عامل هشداری و ترس بودند، در این فیلم گوش سپردن به آوای پرندگان، راهی برای نجات محسوب می‌شود چرا که قهرمان قصه، مادری است که قرار است خودش و بچه‌هایش را چشم بسته و فقط با گوش دادن به آوای پرندگان از مسیر توفانی رودخانه عبور دهد و به مکانی امن برساند.